

بسمه تعالی

بررسی قصاص و دیه زن در اسلام

سعیده بزرگزاد^۱

فروزنده جعفرزاده پور^۲

چکیده

مطابق فقه میان زن و مرد در قصاص و دیه تفاوت است. مرد و زن در مقابل یکدیگر قصاص می شوند، قصاص نفس مرد در برابر نفس زن مشروط به پرداخت نصف دیه مرد است، اما در قصاص عضو، زن و مرد تا رسیدن دیه عضو به ثلث دیه کامل با یکدیگر برابرند و بعد از آن قصاص عضو مرد در برابر عضو زن مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد است. دیه نفس زن نیز نصف دیه نفس مرد است، و مرد و زن در دیه عضو تا رسیدن آن به ثلث دیه کامل با یکدیگر مساوی هستند و پس از آن دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می یابد. فلسفه این تفاوت را باید در نظام حقوقی اسلام جستجو کنیم. این حکم کم ارزش دانستن حق حیات زن نیست. در این مقاله با روش اسنادی به بررسی آرا و نظرات فقها و صاحب نظران در ارتباط با مباحث قصاص و دیه و نیز آیات قرآن در این باره می پردازد.

کلیدواژگان: دیه، قصاص، ارش، تساوی و نابرابری

مقدمه

بحث پیرامون تفاوت بین زن و مرد در برخی مقررات اسلامی از جمله قصاص و دیه سابقه ای بس طولانی دارد و پیشینه آن به امامان معصوم می رسد، لیکن در قرن اخیر به دنبال اوج گرفتن مباحث مربوط به حقوق

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق زن در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (نویسنده مسئول)

sabozorg800@gmail.com

^۲ استادیار، مدیر گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

Fiafarzadehpour77@gmail.com

زن و تساوی آن با حقوق مرد در غرب و تحولات به وجود آمده در این حوزه، جهان اسلام نیز متأثر از این گفتگوها و تحولات، بحث حقوق زن و مرد به ویژه قصاص مرد در برابر زن و دیه زن، ابعاد وسیع تر وجدی تری پیدا کرده است. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

همه فقهای امامیه معتقدند میان زن و مرد در قصاص و دیه تفاوت وجود دارد. اگر مردی، زنی را عمداً به قتل برساند یا عضوی از او را قطع کند و دیه آن عضو در مرد، دو برابر دیه همان عضو در زن باشد، می توان مرد را قصاص نفس یا قصاص عضو کرد، مشروط بر آنکه اولیای دم زن یا منجی علیها نصف دیه نفس مرد و یا نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازند. در حالیکه اگر زنی جنایتی عمدی را اعم از قتل و کمتر از قتل بر مردی وارد سازد، بدون هیچ گونه پرداخت دیه ای قصاص می شود. تفاوت در دیه نیز چنین است که علاوه بر اینکه دیه نفس زن، نصف دیه نفس مرد است، دیه اعضای مرد و زن تا هنگامی که به ثلث دیه کامل مرد برسد برابر است، ولی اگر به اندازه ثلث و یا بیشتر از آن شد، دیه زن نصف دیه مرد است چنانکه دیه یک چشم مرد و زن به ترتیب ۵۰۰ و ۲۵۰ دینار است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) در مقاله حاضر، پس از اشاره ای اجمالی به مفاهیم واژگان مورد نظر (الف) نخست دیه در آیات قرآن (ب) آیات قصاص (ج) دیه زن در روایات (د) دلایل برابری زن و مرد در دیه و قصاص را بررسی می کنیم.

دیه در آیات قرآن

خداوند در قرآن کریم در آیات: بقره آیه ۱۷۸- آل عمران آیه ۱۹۵- نساء آیه ۱۲۴- مائده آیه ۳۲- نحل آیه ۹۷- غافر آیه ۴۰، حکم قصاص را بیان فرمود در ذیل به ذکر چند نمونه می پردازیم.

یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر والعبد بالعبد والانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف واداء الیه با حسان ذلک تخفیف من ربکم ورحمۃ فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم. (بقره آیه ۱۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما در مورد کشتگان قصاص نوشته شده، آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر دینی خود چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او به تبدیل به خونبها گردد) باید از راه پسندیده پی روی کند.

این آیه شریفه بیان می کند زن در مقابل زن قصاص می شود، این گونه استفاده می شود که مرد در مقابل زن قصاص نمی شود گرچه در روایات توضیح داده شده اولیای دم زن، نصف دیه را به مرد بپردازند، مرد قصاص نمی شود وگرنه با نصف پرداخت دیه می تواند مرد را قصاص کنند. به هر حال حد این آیه همین

مقدار است که نمی توان گفت مرد به طور مطلق و در همه موارد در مقابل زن قصاص می شود. (بهرامی، ۱۳۸۰: ۲۱۹)

با دقت در آیه معلوم می شود که آنچه که در قصاص مو جب می شود ، اصل تشریح قصاص است و لزوماً شامل اجرای آن نمی شود . زیرا خداوند در این آیه پس از تشریح قصاص می فرماید : ((پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود ، چیزی به او بخشیده شود (حکم قصاص به دیه تبدیل شود) باید از راه پسندیده پیروی کند و او به نیکی دیه را بپردازد))

در این آیه با ظرافت تمام قاتل و اولیای مقتول برادر دینی یکدیگر معرفی شده اند تا انگیزه عفو قاتل و تبدیل قصاص به دیه را در اولیای مقتول ایجاد کند و آنان به این امر ترغیب و تشویق شوند . ایجاد قانون قصاص سبب حیات می شود که در قصاص مرد در برابر زن نیز وجود دارد.

علاوه بر این که شارع مقدس در تشریح خود پیامدهای قوانین را در نظر دارد و آن را مطابق مصالح و مفاسد وضع کرده است و نمی خواهد با وضع قانون قصاص برای ایجاد امنیت جانی افراد جامعه، اجرای آن آسیبهای اجتماعی غیر قابل جبرانی را به دنبال داشته باشد.. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

"و ما كان لمومن ان يقتل مومنا الا خطأ و من قتل مومنا فتحرير رقبة مومنه . دية مسلمية الى أهله الا الا أن يصدقوا فان كان من قوم عدو لكم و هو مومن فتحرير رقبة مومنه و إن كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فدية مسلمة الى أهله و تحرير رقبة مومنه فمن مومنه و إن كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فدية مسلمة الى أهله و تحرير رقبة مومنه فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة من الله و كان الله عليما حكيماً" نساء- ۹۲

هیچ فرد با ایمانی مجاز نیست که مومنی را به قتل برساند ، مگر این که این کار از روی خطابه اشتباه از او سرزند ؛ و کسی که مومنی را از روی خطا به قتل برساند باید یک برده مومن را آزاد کند و خونبها به کسان او بپردازد ؛ مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند .

و اگر مقتول ، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند) ولی مقتول با ایمان بود ، (تنها) باید یک برده مومن را آزاد کند (و پرداختن خونبها لازم نیست). و اگر جمعیتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او بپردازد، و یک مومن برده (نیز) آزاد کند. و آن کسی که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه بگیرد. این یک (یک نوع تخفیف) توبه الهی است و خداوند دانا و حکیم است.. این آیه شریفه به قاعده اشتراک زنان با مردان در احکام به صراحت دلالت بر وجوب دیه در قتل غیر عمد زنان دارد . (بهرامی ، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

صاحب تفسیر المنار می گوید : ((در قرآن دیه به طور مطلق و بصورت نکره آمده و ظاهرش آن است که هر مقدار خانواده مقتول را راضی کند کافی است ولی سنت (روایات) میزان دیه را تعیین کرده و بدان گونه که معروف و مقتول نزد عرب بوده ، مقدار آن را مشخص کرده است و به هر حال اجماع مسلمین است که دیه مرد مسلمان آزاد یکصد شتر است و دیه زن نیز نصف دیه مرد است. ولی ظاهر آیه این است که فرقی بین زن و مرد نیست.))

در قرآن کریم از دیه اعضاء هم ذکری نشده است و منبع تعیین دیه در مورد نفس و اعضاء و تفاوت بین زن و مرد ، روایات است. (مهرپور، ۱۳۷۹ : ۲۶۳-۲۶۴)

صراحت آیه قصاص

خداوند در قرآن کریم حکم قصاص بین زن و مرد را بیان فرمود: ((و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعين والانف بالانفوالاذن بالاذن والسُنُّ بالسُنِّ والجروح قصاص))، مائده -۴۵ بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در مقابل بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در مقابل دندان می باشد و هر زخمی قصاص دارد .

روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را به پرداخت نصف دیه مرد مشروط می کند ، مخالف و معارض آیه مذکور نیست . زیرا عرف عقلا تعارض واقعی بین دلیل مطلق و مقید نمی بیند ، بلکه دلیل مقید را قرینه و مفسر دلیل مطلق می شمارد . بر فرض که عنوان مخالفت با کتاب از نظر مراد استعمالی نسبت به عموم و خصوص مطلق نیز فراگیر باشد ، لیکن با توجه به قرینه موجود باید اخبار رد را در مقام کشف از مراد جدی تنها بر مخالفت تبیینی و عموم و خصوص من وجه حمل شود . همان معصومانی که اخبار رد را بیان فرمودند ، به ضرورت فقه در صدها مورد عموم و اطلاق آیات قرآنی راتخصیص و تقیید زده اند . بدین سان معلوم می شود روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد می کند ، تعارضی با آیه ۴۵ سوره مائده ندارد و تنها اطلاق آن را مقید می نماید. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳ : ۱۴۷)

دیه در روایات

در روایات مختلف منقوله از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار ، از یک سو میزان دیه تعیین شده و از سوی دیگر مقدار دیه زن و نصف بودن آن نسبت به دیه مرد در برخی از آنها ذکر شده است .

در روایتی از امام باقر (ع) آمده که فرمود در بین وصایای پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) آمده است که فرمود : یا علی عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را رایج کرده بود که خداوند آنها را در اسلام تثبیت کرد یکی از آنها این بود که دیه قتل انسان را صد شتر قرار داد و همین نیز در اسلام پذیرفته شد . از طریق اهل

سنت نیز نقل شده است که پیامبر (ص) دیه قتل را صد شتر قرار داده است. و اما در خصوص نصف بودن دیه قتل زن نسبت به مرد از طریق شیعه و سنّی روایاتی وارد شده است. از حضرت علی (ع) روایت شده: دیه زن نصف دیه مرد است هم در نفس و هم در اعضاء. (مه‌رپور، ۱۳۷۹: ۲۶۶-۲۶۷)

روایات وارد شده از ائمه اطهار به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) روایاتی که مبین‌اند که اولیای دم زن متوانند مرد را قصاص کنند مشروط بر آنکه فاضل دیه را به او بپردازند

۲) روایتی که به اولیای دم زن اجازه قصاص مرد قاتل را می‌دهند و از رد دیه سخنی به میان نیامده. روایت از امام صادق (ع) است که مطابق آن حضرت نقل می‌کند که حضرت علی (ع) مردی را به خاطر آنکه زنی را به عمد کشته بود، قصاص کردند و صحبت از رد دیه نشده است.

۳) حضرت علی (ع) مردی را به خاطر آنکه زنی را به عمد کشته بود، قصاص نکردند و او را به پرداخت دیه ملزم کردند روایت گروه دوم و سوم قابل عمل کردن نیست زیرا از حیث سند ضعیف است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)

برابری همه انسانها با یکدیگر

طبق آیات و روایات انسانها اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه و عرب و غیر عرب با هم در حقیقت انسانی برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند. پیامبر (ص) فرمودند: مردم بسان دندانهای شانه با یکدیگر برابرند. و تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه از نظر کتاب و سنت ظلم و مردود است، از این رو اخبار مدعی تفاوت بین زن و مرد را باید کنار گذاشت. بنابراین تساوی و عدالت در تمامی حقوق بین افراد بشر از جمله زن و مرد لازم است، اما تساوی در حقوق غیر از تشابه در آن است و تشابه در حقوق هیچ توجیه عقلی و شرعی ندارد. آنچه که از نظر عقل و شرع ضرورت دارد، عدل و ظلم در حقوق است، خواه حقوق مشابه یا نامشابه باشد. پس اگر مطابق تصریح قرآن ارث انسان مذکر و مونث مشابه نیست، لیکن عادلانه و مساوی است و ظلمی در آن نیست. زیرا اداره امور اقتصادی خانواده در حقوق اسلام به عهده مرد است. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

دو برابر بودن دیه مرد نسبت به زن و نصف بودن دیه زن به معنای پایین تر بودن ارزش زن نیست بلکه از آن لحاظ است که تبعات از دست دادن مرد و یا صدمه دیدن او از لحاظ اقتصادی بیشتر از زن است و حال که

قرار است این ضایعه به صورت مادی جبران شود، و در واقع تحت عنوان دیه، خسارت داده شود طبعاً این تفاوت وضع باید در نظر گرفته شود و از آن جا که حکم شرعی و قانونی با توجه به وضع غالب تعیین میشود و وضع غالب این است که مرد تأمین کننده ی هزینه ی خانواده و دارایی نقشه مؤثر تر در وضع اقتصادی و مالی است بنابراین خسارت قابل پرداخت به او یا خانواداش تحت عنوان دیه بیشتر از زن تعیین شده است..(مه‌رپور، ۱۳۷۹: ۲۷)

نظر فقها در مورد دیه زن و مرد

اجماع فقها بر نصف بودن دیه قتل زن نسبت به مرد وجود دارد و ادعا شده که بر این امر بین فقهای شیعه و حتی فقهای اهل سنت اتفاق وجود دارد. صاحب جواهر می گوید: اشکال و اختلافی نه در نص و نه در فتوی بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد وجود ندارد، اجماع بر این است و اخبار مستفیض و یا متواتر نیز در این باب وجود دارد بلکه مسلمین بر این امر متفق اند، فقط از دو نفر به نامهای ابن علیّه و اصم نقل شده است که گفته اند دیه زن مثل دیه مرد است.

عبدالقادر عوده در کتاب التشریح الجنانی می گوید: دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است و اهل علم بر این امر اتفاق دارند. ابن قدامه صاحب کتاب المغنی می گوید: دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است و اهل علم بر این امر اتفاق دارند. در دیگر کتابهای فقهی اهل سنت نیز بر همین روال دیه زن نصف دیه مرد ذکر شده است.

حاج شیخ یوسف صانعی می گوید: دیه خطا و شبه عمد زن با مرد مساوی است.

مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة والبرهان مسئله نصف بودن دیه زن را به گونه ای مطرح کرده که گویی چندان اعتقادی به استحکام دلایل آن ندارد و در شرح عبارت علامه در کتاب ارشاد که دیه زن نصف دیه مرد است می گوید: ((گویا دلیل آن اجماع اخبار است.))

فقهای شیعه در مورد دیه اعضاء همانند حکم مقرر در قانون مجازات اسلامی بر این باورند که دیه زن و مرد تا وقتی دیه به حد ثلث دیه کامل برسد مساوی است و وقتی از ثلث تجاوز کرد، دیه زن نصف دیه مرد می شود. در بین فقهای شیعه سراغ نداریم کسی قائل به تساوی دیه زن و مرد به طور کلی یا نصف بودن دیه زن نسبت به مرد در همه مراحل یعنی حتی کمتر از ثلث باشد. اگر مرتکب جنایت جرح و نقص عضو، زن باشد یعنی هم جانی و هم مجنی علیها هر دو زن باشند از این حیث فرقی نمی کند جانی زن باشد یا مرد و در قواعد گفته اند زن و مرد از لحاظ دیه و قصاص در اعضاء با هم مساوی اند تا مقدار دیه به ثلث برسد

وقتی به ثلث رسید دیه زن نصف مرد می شود ، خواه جانی زن باشد یا مرد با اشکال در جایی که جانی زن است .

فقه‌های اهل سنت در مورد دیه اعضای زن نظرات مختلفی دارند : بسیاری از آنها همانند فقیهان شیعه دیه زن را تا حد ثلث با مرد مساوی می دانند و از ثلث بیشتر معتقد به نصف بودن دیه هستند . .(مه‌رپور، ۱۳۷۹، ۲۶۰-۲۶۱-۲۶)

جدول زیر نظرات محققان در ارتباط با موضوع به تفکیک مطالعه آمده است:

جدول ۱- بررسی نظرات محققان در ارتباط با دیه و قصاص در اسلام

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	روش	نتیجه گیری
۱	بهرامی، محمد	۱۳۸۰	دیه زن از منظر قرآن	اسنادی	زنی را که قبلاً پنجاه شتر دیه او بوده ، زن امروزی نیست ودیه زن امروز پنجاه شتر نیست
۲	حاجی ده آبادی، احمد	۱۳۸۸	قصاص و دیه زن	اسنادی	معتقد است تفاوت دیه زن و مرد را باید به امری دیگر تحلیل برد وفلسفه نابرابری دیه بر ما پوشیده است.
۳	شمس، ذبیح الله؛ شمس، محمد علی	۱۳۹۰	برابری دیه زن ومرد	اسنادی	عقیده دارد راه برای اجتهاد در باب دیه زن بسته نیست وآرزوی تحولی عظیم در باب دیه زن و مرد را دارد.

دیه و خسارات تنبیهی به لحاظ موضوع با هم تفاوت دارند	اسنادی	بررسی تطبیقی دیه و خسارات تنبیهی	۱۳۸۷	عالی پناه، علیرضا	۴
تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه به معنای تبعیض نیست	اسنادی	دیه و قصاص	۱۳۸۳	محمدی جور کویه، علی	۵
عقیده به حقوق مساوی زنان با مردان دارد و در مورد نصف بودن دیه زن نیز باید تجدید نظر کرد		حقوق زن	۱۳۷۹	مهرپور، حسین	۶

(۱) مفهوم شناسی

دیه: دیه در لغت به معنای حق مقتول میباشد و آن مالی است که بدل نفس به ولی مقتول پرداخت می شود و گاه بر بدل عضو نیز اطلاق می شود. دیه در اصطلاح عبارت است از: مالی که به سبب ایراد جنایت بر نفس یا کمتر از نفس انسان آزاد واجب می شود خواه مقدر یا غیر مقدر باشد. اگر چه گاه به غیر مقدار ارش و حکومت گفته می شود. (محمدی جور کویه، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

حقوقدانان برای دیه ماهیتی دوگانه قائل شده اند "دیه، هم مجازات است تا مانع از ارتکاب جرم قتل و جرح و اتلاف جان و مال دیگران شود، و هم به منظور جبران ضرر به شاکی داده می شود." (عالی پناه، ۱۳۸۷: ۴۴)

الف) **دیه نفس:** از قوانین مورد اتفاق بین فقهای شیعه و اهل سنت، مقدار دیه مرد وزن است به گونه ای که تاکنون در میان اندیشمندان شیعه، هیچ مخالفی نداشته و در میان علمای اهل سنت نیز مخالف قابل توجهی وجود ندارد. همگان بر این عقیده هستند که دیه کامل تعیین شده در فقه جزایی اسلام برای نفس مرد است و دیه نفس زن نصف آن است. در روایت صحیح حبلی از امام صادق (ع) آمده است: "وان قبلوا الدیه فلهم نصف دیه الرجل"، اگر اولیای دم زن دیه را بپذیرند، برای آنان نصف دیه مرد است. براین بنیاد ماده

۳۰۰ ق.م.ا. اسلامی مقرر می دارد: "دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی ، خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است". (مه‌رپور، ۱۳۷۹: ۲۶۰)

ب) **دیه عضو**: فقهای شیعه درباره دیه عضو معتقدند که دیه عضو مرد و زن بایکدیگر برابر است تا آنگاه که دیه عضو مصدوم به ثلث دیه کامل برسد و در آن صورت دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می یابد. در روایت معتبر ابان از امام صادق (ع) آمده است: اگر مردی یک انگشت زن را قطع کند ، دیه اش چه مقدار است؟ امام فرمود: ده شتر ، گفتم اگر دو انگشت زن را قطع کند؟ فرمود بیست شتر . گفتم: اگر سه انگشت زن را قطع کند . فرمود سی شتر . گفتم: اگر چهار انگشت زن را قطع کند . فرمود: بیست شتر. گفتم: سبحان الله، سه انگشت زن را قطع می کند، سی شتر دیه می دهد ، ولی چهار انگشت زن را قطع می کند ، بیست شتر دیه می دهد! این سخن در عراق به گوش ما رسید ، ما از گوینده آن دوری جستیم و می گفتیم: گوینده این سخن شیطان است. امام فرمود: ای ابان! آرام گیر، این حکم رسول خداست: " ان المرأة تعاقل الرجل الى ثلث الديّة ، فاذا بلغت الثلث رجعت الى النصف، يا ابان انك اخذتني بالقياس والسنة اذا فيست محق الدين ". همانا زن با مرد تا ثلث دیه برابر است، آنگاه که دیه اش به ثلث رسید، به نصف کاهش می یابد، ابان! تو قیاس کردی و اگر در سنت قیاس شود ، دین نابود می شود. (محمدی جورکوبه، ۱۳۸۳: ۱۴۰، ۱۴۱)

حال بحث براین است که اگر جانی زن باشد باز همان روال حاکم است یا در این صورت از همان ابتدا نصف دیه داده می شود؟ علامه در کتاب ارشاد می گوید از این حیث فرقی نمی کند جانی زن باشد یا مرد (سواء كان الجاني رجلا او امرأة ففي ثلث اصابع ثلاثمائة وفي اربع مائتان) و در قواعد " در این امر تردید نموده و گفته است: "زن و مرد از لحاظ دیه و قصاص در اعضاء با هم مساوی اند تا مقدار دیه به ثلث برسد وقتی به ثلث رسید. دیه زن نصف مرد می شود، خواه جانی زن باشد یا مرد با اشکال در جائی که جانی زن است".

مقدس اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة والبرهان معتقدند اگر مرتکب جنایت زن باشد علی الاصول از همان ابتدا دیه اعضای زن نصف دیه مرد است، یعنی اگر زنی مثلا انگشت زن دیگری را قطع کند در یک انگشت ۵ شتر ، در دو انگشت ۱۰ شتر، در سه انگشت ۱۵ شتر و در چهار انگشت ۲۰ شتر و به همین ترتیب در همه مراحل معادل نصف دیه مربوط به مرد را باید پردازد و می گویند حکم مربوط به یکسان بودن دیه زن و مرد در مورد اعضای بدن تا میزان ثلث دیه خلاف قاعده است و باید منحصر در موردی که دلیل خاصی برای آن وجود دارد اجرا شود و دلیل هم که عبارت از برخی احادیث است ناظر به موردی است که جانی مرد باشد، ولی در جائی که جانی زن باشد، دلیلی بر خروج از اصل وقاعده نصف بودن دیه زن نسبت به مرد نیست و باید در هر حال نصف دیه پرداخت شود. (مه‌رپور، ۱۳۷۹: ۲۶۱)

بررسی سایر موارد دیه

۱- دیه جنین

جنین در صورتی که روح در آن دمیده باشد، اگر مذکر باشد، دیه او کامل و اگر مؤنث باشد، دیه نصف خواهد بود و اگر مشتبّه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود ولی اگر روح در آن حلول نکرده باشد، چه مؤنث باشد چه مذکر، دیه او یک دهم دیه کل خواهد بود.

۲- زن از جمله عاقله مرد حساب می شود

در قتل خطای محض، دیه را قاتل نمی دهد بلکه خویشاوندان او از جانب پدر و مادریا فقط پدرمانند عموه و برادرها و فرزندان آنها می دهند و اگر آنها نتوانستند نوبت به ضامن جریره و سپس به امام میرسد که از بیت المال بپردازد این را دیه بر عاقله می گویند و آن به جهت کمک به کسی است که ناخواسته خطایی از او سرزده است تا از نظر مالی به زحمت نیفتد و بر کسی هم فشار وارد نمی شود و دیه بر عاقله در سه سال تقسیط می شود و خویشان در طول سه سال آن را می پردازند.

در جنایتی که شبه عمد باشد، دیه را خود جانی و از مال جانی باید پرداخت ولی اگر جنایت خطای محض باشد، دیه بر عهده عاقله است امام خمینی، صاحب جواهر، علامه، ابن براج، محقق و آیت الله خویی و آیت الله شیرازی در این زمینه قائلند که، بدون هیچ اشکال و بحثی زن جزو عاقله نیست تا دیه از مال او پرداخت شود. اما مرحوم خوانساری فرموده است: ادعای عدم خلاف در این مسأله، نه از آن حیث است که زنان داخل در عصبه قاتل نیستند بلکه چون شک می کنیم آیا از اطلاق وجوب دیه بر عاقله، دیه بر زنان نیز واجب است؟ اصل عدم وجوب آن است. سپس می فرماید: این کلام محل اشکال است، مگر آنکه اجماعی در مسأله باشد.

۱- سایر موارد

در برخی موارد هم قانون مجازات اسلامی بدون اینکه ضابطه و ملاک نصف بودن را رعایت کرده باشد بین دیه زن و مرد تفاوت گذاشته است، مثلاً ماده ی ۴۸۳ مقرر می دارد: «هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی مجنی علیه مرد باشد، دیه آن یک صد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارزش لازم است»^۳. در این مورد خاص، نه حکمی به تساوی دیه زن و مرد شده نه بر مبنای نصف بودن دیه زن نسبت به

^۲ (قانون مجازات اسلامی- کتاب اول- کلیات باب اول- مواد عمومی)

مرد تعیین حکم شده است. تعیین میزان ارزش برای زن ممکن است، حسب مورد بیشتر از صد دینار، یا معادل آن یا کمتر باشد.

تعریف قصاص:

قصاص در لغت به معنای پیروی تدریجی از اثر است و قصاص در قتل و جراحات یعنی پیروی و انجام مثل آن از قتل و جراحات می باشد. ماده ۱۴ ق.م.ا. در تعریف قصاص مقرر می دارد: " قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد"^۴.

الف) قصاص نفس

فقه‌های شیعه به اتفاق بر این باورند که زن و مرد مسلمان در برابر یکدیگر قصاص می شوند، لیکن قصاص مرد در برابر زن مشروط به پرداخت "فاضل دیه" یعنی نصف دیه مرد از سوی اولیای دم زناست. روایات معتبر و متعددی بر نظریه مذکور دلالت دارد که مورد استناد فقه‌های شیعه قرار گرفته است:

روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق (ع): "سمعت ابا عبدالله (ع) يقول: فی رجل قتل امرأه متعمدا، قال: ان شاء اهلها ان یقتلوه ویودوا الی اهلہ نصف الدیة وان شاووا اخذوا نصف الدیة، خمسۃ آلاف درهم ..."، شنیدم امام صادق (ع) درباره مردی که به عمد زنش را کشته بود، فرمود: اگر اولیای دم زن بخواهند مرد قاتل را بکشند. می توانند این کار را بکنند و نصف دیه مرد را به بستگانش می پردازند و اگر بخواهند می توانند (بجای قصاص) نصف دیه کامل، پنج هزار درهم (از مرد قاتل) دریافت کنند. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۸)

اگر مردی زنی را عمدا بکشد، اولیای دم زن می توانند مرد را قصاص کنند، به شرط آنکه نصف دیه کامل (فاضل دیه) را به او بدهند و مادام که فاضل دیه را پرداخت نکرده اند، نمی توانند مرد را قصاص کنند. از

^۴(قانون مجازات اسلامی کتاب اول- کلیات باب اول- مواد عمومی)

سوی دیگر، اگر زنی مردی را عمداً به قتل برساند، اولیای دم مرد می‌توانند زن را قصاص کنند، بدون اینکه نیاز باشد دیه ای به آن زن بدهند و بدون اینکه بتوانند علاوه بر قصاص زن، دیه ای هم از او بگیرند.

اهل سنت همگی قائل اند که مرد در مقابل زن وزن در مقابل مرد قصاص نفس می‌شود بدون اینکه رد دیهای صورت پذیرد ولی فقهای شیعه براساس ادله مختلف، قصاص مرد را به پرداخت نصف دیه کامل از سوی اولیای دم زن منوط می‌دانند. اگرچه در این خصوص به اجماع و گاه قرآن نیز استناد کرده اند، ولی عمده ترین دلیل فقهای امامیه، روایات است. (حاجی ده آبدی، ۱۳۸۸: ۱۵۴)

ب) قصاص عضو

مطابق نظریه فقهای شیعه، زن و مرد در قصاص عضو با یکدیگر برابر هستند تا آنجا که دیه عضو به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت، قصاص عضو مرد در مقابل عضو زن مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد از سوی زن به مرد است. در روایت معتبر حبلی از امام صادق (ع) آمده: درباره مردی که چشم زنی را کور کرده بود: "فقال: ان شاووا ان یفقوا عینه ویودوا الیه ربع الدیة وان شاءت ان تاخذ ربع الدیة ... " امام فرمود: اگر زن و بستگانش بخواهند، چشم مرد را کور کنند یک چهارم دیه را باید به او بپردازند و اگر زن بخواهد دیه بگیرد، یک چهارم دیه را در یافت می‌نماید. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۳۹)

در مبحث مربوط به دیه سقط جنین نیز بند ۶ ماده ۴۸۷ مقرر می‌دارد: "دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود."

در برخی موارد هم قانون مجازات اسلامی بدون اینکه ضابطه و ملاک نصف بودن را رعایت کرده باشد بین دیه زن و مرد تفاوت گذاشته است، مثلاً ماده ۴۸۳ مقرر می‌دارد: ((هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی مجنی علیه مرد باشد، دیه آن یک صد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است.)) در این مورد خاص، نه حکمی به تساوی دیه زن و مرد شده نه بر مبنای نصف بودن دیه زن نسبت به مرد تعیین حکم شده است. تعیین میزان ارش برای زن ممکن است، حسب مورد بیشتر از صد دینار، یا معادل آن یا کمتر باشد. (مهرپور، ۱۳۷۹: ۲۵۶)

ارش

ارش در لغت به معنای دیه جراحات است و در اصطلاح اکثر فقهای امامیه به معنای ((دیه جنایت بر مادون نفس است که مقدار آن در شرع تعیین نشده است)) فقهای سنی این واژه را بیشتر به معنای دیه جنایت مادون نفس دانسته اند اعم از آنکه مقدار آن در شرع معین شده باشد یا خیر و از این رو، ارش را به دو

قسم ((ارش مقدر)) و ((ارش غیر مقدر)) تقسیم کرده اند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۳) برای تعیین مقدار ارش گفته می شود باید شخص صدمه دیده و مجروح یا ناقص العضو را با فرض برده بودن یک بار در حال سالم بودن قیمت کرد و یک بار با توجه به صدمه و یا نقص وارده او را قیمت کرد و مابه التفاوت این دو قیمت را به عنوان ارش به او پرداخت. (مه‌رپور، ۱۳۷۹: ۲۷۴)

نتیجه گیری

نتیجه گیری و اظهار نظر قطعی و جزمی دشوار است ولی به هر حال در این سیری که در دلایل و منابع حکم موجود در این زمینه یعنی نصف بودن دیه زن نسبت به مرد به عمل آوریم به نتایجی می‌رسیم.

خلاصه ی کلام این است که روایات قولی و عملی در مورد دیه مختلف و متعارض است و به همین جهت فقها اختلاف نظر دارند ما مومعتقدیم فقه ما پویا است و میتواند همراه با توسعه و دگرگونی گسترده در موضوعات، شرایط مناسبی را برای رسیدن بشر به بالا ترین درجات کمال فراهم به نماید در حال حاضر، در سطح بین المللی تلاش گسترده ای برای برقراری تساوی حقوق بین زن و مرد در همه ی زمینه ها صورت می‌گیرد و در اسناد بین المللی حقوق بشر به ویژه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، بر لغو و یا اصلاح قوانین که مقررات تبعیض آمیز علیه زنان دارند، تاکید شده است.

در همین زمینه یک از موضوعاتی که به طور جد در فقه اسلامی مطرح است مسأله نابرابری دیه زن و مرد می‌باشد.

اگر چه فلسفه نابرابری در دیه ممکن است از جهاتی بر ما پوشیده باشد، ولی در اینکه ارتباطی با جایگاه معنوی زن و مرد ندارد، تردیدی نیست.

اسلام معتقد است دیه برای تقویم و تعیین ارزش انسان یا عضو از دست رفته او نیست. لذا ما بر این باور هستیم؛ دیه، حقی است که شارع اسلام به متضرر از جرم، بخشیده تا بوسیله آن قسمتی از خسارات وارده به خود را جبران کند ولی قصاص امری است واجب که آن را به پرداخت مالی نمی‌توان مشروط یا معلق کرد.

در اینجا می‌توان این بحث را با نظر حکیم متاله-آیت الله جوادی آملی - به پایان برد که می‌نویسد:

دیه در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول نیست، بلکه یک دستور خاص است که ناظر به مرتبه بدن انسان کشته شده می‌باشد. نشانه آن این است که اسلام بسیاری از افراد اعم از زن و مرد را که دارای

اختلاف علمی و یا عملی اند متفاوت می بیند و در عین حال، دیه آنها را مساوی می داند. مثلاً درباره تفاوت عالم و جاهل می گوید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون (زمر: ۹)

و درباره تفاوت مجاهد قائم و غیر مجاهد قاعد، چنین می فرماید: لا یستوی القاعدون من المومنین غیر اولی الصور و المجاهدون فی سبیل الله (نساء: ۹۵): تساوی دیه عالم و جاهل نه از ارج و منزلت عالم می کاهد و نه بر مقام جاهل می افزاید و نیز تفاوت دیه مرد و زن نه بر منزلت مرد می افزاید و نه از مقام زن می کاهد... بنابر این، قتل عمدی مرد یا زن از جهت بحث های کلامی یکسان است، یعنی اگر قتل عمدی مومن عذاب ابدی یا دراز مدت به دنبال دارد، هرگز فرقی بین زن یا مرد وجود ندارد چه اینکه از جهت لزوم کفاره {و میزان آن هم} هیچ فرقی بین زن و مرد نیست.

منابع

- ۱) بهرامی، محمد، (۱۳۸۰) "دیه زن از منظر قرآن و فمینیسم" فصلنامه پژوهشهای قرآنی - شماره ۲۵-۲۶
- ۲) حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۸۸) "قصاص و دیه زن" فصلنامه حقوق اسلامی - شماره ۲۲
- ۳) شمس، ذبیح الله؛ شمس، محمد علی، (۱۳۹۰) "گفتمان فقه اسلامی و رویکرد عدالت گرایانه بر مساله برابری دیه زن و مرد" فصلنامه کانون - شماره ۱۱۵
- ۴) عالی پناه، علیرضا، (۱۳۸۷) "بررسی تطبیقی دیه و خسارات تنبیهی در فقه امامیه و نظام حقوقی کامن لا" فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی - شماره ۲۷
- ۵) محمدی جور کویه، علی، (۱۳۸۳) "دیه و قصاص؛ تکلیف حکومت و حق زنان" فصلنامه مطالعات راهبردی زنان - شماره ۲۳
- ۶) مهر پور، حسین، (۱۳۷۹) مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، تهران